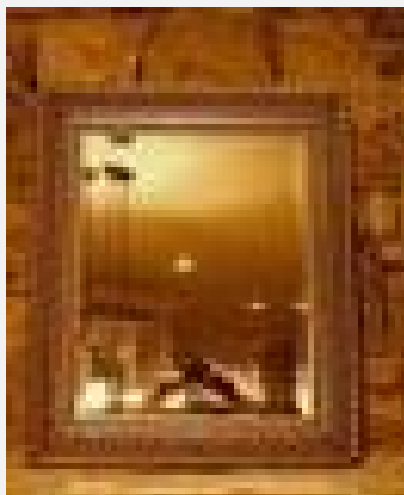


خودشیفتگی خود را بهتر بشناسیم

خودشیفتگی یک ویژگی فطری - شخصیتی و بنیادی انسان است که بسته به نوع زمینه‌های ژنتیک افراد، تربیت خانوادگی، شرایط رشد ...



خودشیفتگی یک ویژگی فطری - شخصیتی و بنیادی انسان است که بسته به نوع زمینه‌های ژنتیک افراد، تربیت خانوادگی، شرایط رشد و شرایط اجتماعی و محیطی، ممکن است تشدید شده و یا شدت یابد، به نحوی که بر سایر ویژگی‌های شخصیتی غالب شود. بدون تردید طیف ویژگی‌های مقابل خودشیفتگی اعتماد به نفس بهنجار، فروتنی، افتادگی و سلامت نفس قرار دارد که این ویژگی‌ها در همه انسان‌ها به طور زمینه‌ای یا سرشتی وجود دارد... آنچه مورد بحث ماست، خودشیفتگی نابهنجار، بیمارگونه و غیرطبیعی است. خودشیفتگی دارای ویژگی‌های بسیاری است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم. احساس بزرگ‌منشی، هوش و شخصیت برتر، سرشناس و بی‌همتا بودن، احساس مهم بودن و ویژگی‌های مشابه که این احساسات را در تفکرات مستمر فرد و در رفتارها و کارهای روزانه او نمایان می‌کند. همچنین اشتغالات فکری مستمر به این‌گونه تفکرات و باور مستمر در چنین ویژگی‌هایی، غوطه‌ور شدن دایم در تخیلات، آرزوها و امیدهایی که مبتنی بر چنین تفکرات و چنین دنیایی است که توسط این نوع خودشیفتگی ترسیم شده است. این افراد در پی تعریف و تمجید شنیدن از دیگران در جهت تایید ویژگی‌های بالا هستند و انتظار تایید و به‌به شنیدن از دیگران را دارند. آنها با کسب لذت بیش از اندازه از تعریف آرامش می‌گیرند و برعکس ممکن است دچار به هم‌ریختگی و ناآرامی‌ها از نقدها، کم توجهی دیگران، اخم و طرد شدن توسط دیگران و نشان دادن واکنشی هیجانی، خشم‌گینانه و گاه درمانده نسبت به انتقاد دیگران شوند.

بدون تردید این ویژگی انتظار همراهی بی‌فید و شرط دیگران را در فرد ایجاد می‌کند که هر کوتاهی در این همراهی واکنشی سخت به همراه دارد. بهره‌کنشی در روابط بین فردی در جهت تایید منافع فردی و ایده‌آل‌های فرد، در حالی که به روشنی موجب نفعی نزدیکان عزیزان و دیگران شود، از دیگر مشخصه‌های افراد خودشیفته است که موجب نوعی بهره‌کنشی غیرعادلانه از روابط بین فردی می‌شود. فقدان همدردی با دیگران، ادراک دیگران و عدم فهم احساسات و نیازهای دیگران از دیگر ویژگی‌های اوست. این در حالی است که اگر در چهره و رفتار مواردی از ابراز عواطف، دلسوزی و تعریف و تمجید دیگران داشته باشند، بیشتر در جهت منافع خود و یا ارضای خود خودشیفته است.

و در آخر فرد خودشیفته در شخصیت و چهره اجتماعی خود رفتارها و روابطی متکبرانه، خودخواهانه و مغرور دارد که به همراه آن احساسی از مهم بودن و باهوش بودن و سرشناس بودن قرار دارد. در مجموع به دلیل این دو ویژگی «تکبر و غرور» و «شخصیت والا» ارتباط با دیگران به طور پراکنده همراه با تمسخر، نفعی شخصیت دیگران و نادیده گرفتن منافع و ویژگی‌های دیگران است.

پیامدهای خودشیفتگی

ویژگی خود شیفتگی دارای پیامدهایی برای فرد و جامعه است که از آن جمله:

مشکل در روابط شخصی، خانوادگی، شغلی و بین فردی و همچنین مشکل در سازمان‌های اداری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در نهایت موجب بی‌ثباتی در عملکردهای فردی و اجتماعی فرد خواهد شد.

تنش‌هایی در روابط بین فردی ایجاد می‌کند که با مختل کردن روابط مورد انتظار موجب تهاجم و خشم بین دو طرف و یا قطع روابط می‌گردد.

در بسیاری از موارد که فرد خودشیفته با استفاده از هوش و توانایی‌های خود اوضاع را به نفع خود آرام می‌کند، رابطه مستمری از سلطه، بهره‌کنشی، دگرآزاری و رفتارهای ناعادلانه در روابط فردی، سازمانی شغلی و یا اجتماعی ایجاد می‌کند.

انجام رفتارهای انتقام‌جویانه و مقابله‌ای و خشن در مورد دوستان، نزدیکان، همکاران و دیگران که در منفعی نزدیک قرار دارند، به فراوانی در پیامدهای خودشیفتگی دیده می‌شود.

برتری دادن به تصمیم‌گیری‌های احساسی، هیجانی، ذهنی و ایده‌آل‌گرایانه در روابط بین فردی به جای استفاده از روش‌های مبتنی بر حل مساله، مبتنی بر مشاوره و یا استفاده از روش‌های عقلانی.

جمع‌بندی

بنابراین فرد خودشیفته به دلیل عدم تعادل در ویژگی شخصیتی پیامدهای رفتاری گوناگونی که ایجاد می‌کند، مشکلات فراوانی برای فرد، دیگران و جامعه ایجاد نموده و آنچنان تنش و درگیری ایجاد می‌نماید که ادامه رابطه با مشکل مواجه می‌شود.

حال اگر در سازمانی افراد خودشیفته وجود داشته باشند، به دلیل حاکم بودن رابطه سلطه و آزار دیگران و همچنین به دلیل آنکه تصمیم‌گیری‌ها در چنین سازمانی مبتنی بر هیجان بوده و نه مبتنی بر حل مساله، در نتیجه ادامه کار در این سازمان با مشکل مواجه شده و قطعاً با برجا نمی‌ماند.